

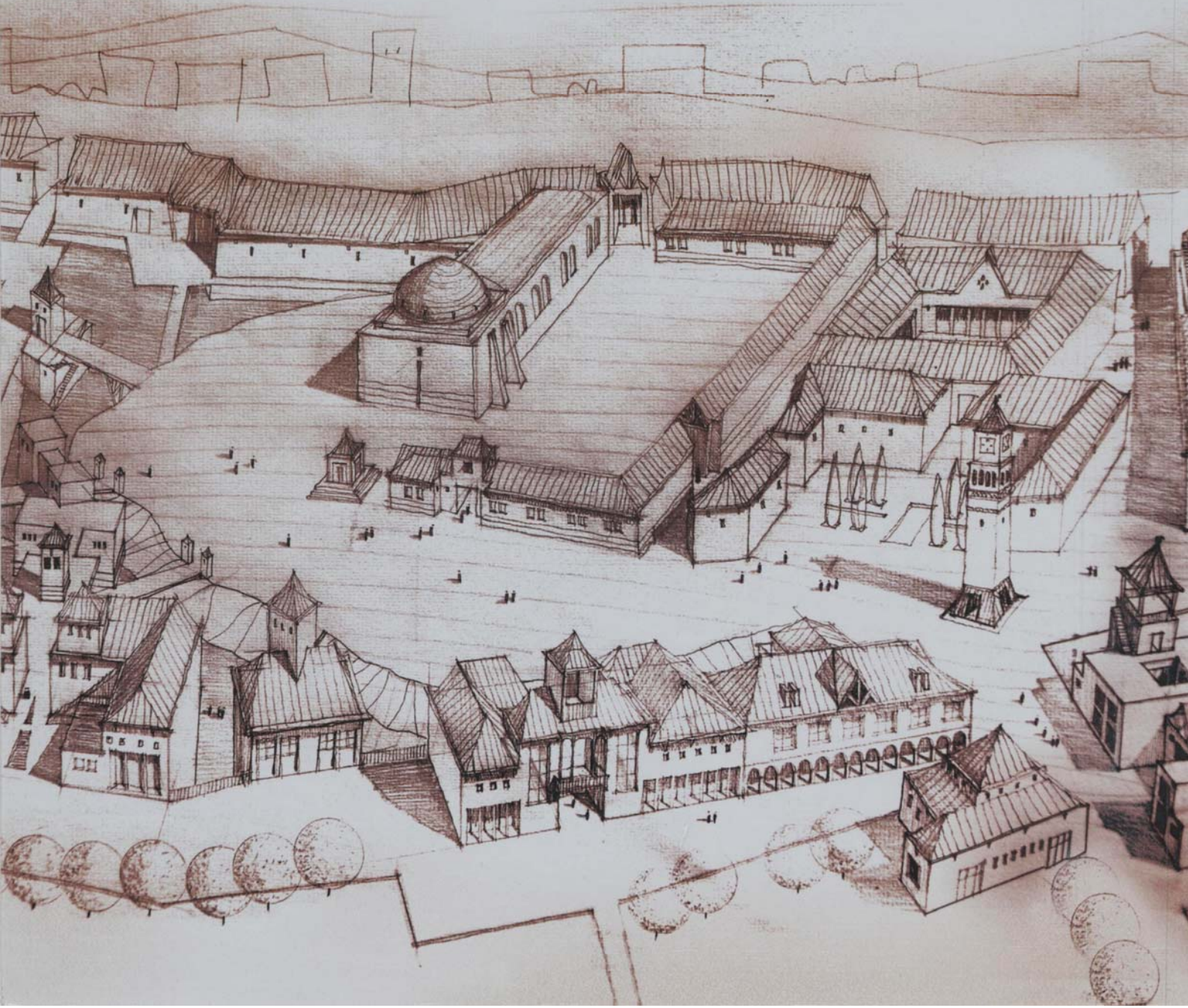
# آبادی

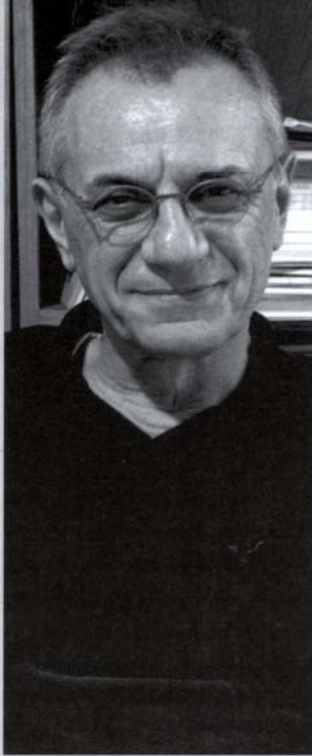
فصلنامه شهرسازی و معماری  
سال هفدهم-شماره ۵۶  
شماره بیست و یکم دوره جدید  
پاییز ۱۳۸۶-۳۰۰۰ تومان

## Abadi

Quarterly Journal of Architecture  
and Urbanism  
Vol.17, No. 56  
Autumn 2007

موضوع ویژه: طراحی شهری در ایران





## شهر خودش تصمیم می‌گیرد...

گفتگو با

کامران صفامنش

City Makes Decision Itself...  
An Interview with  
Kamran Safamanesh

مصاحبه‌کننده: مهدی عباس‌زاده

### مقدمه

کامران صفامنش متولد ۱۳۲۵ در تهران است. او در دانشگاه‌های ایران و ایالات متحده تحصیل کرده و احتمالاً اولین دانش‌آموخته ایرانی در طراحی شهری است. او از سال ۱۳۵۴ فعالیت حرفه‌ای خود را در زمینه طراحی شهری آغاز نموده و غیر از طرح‌های مرمت و معماری و برنامه‌ریزی تاکتیکون حدود سی و پنج پروژه طراحی شهری را در ایران و خارج از ایران به انجام رسانیده است. فعالیت‌های پژوهشی و حرفه‌ای وی روی شهر تهران مثال‌زدنیست. همین سابقه، دفتر کار صفامنش را به مرکز شناخته‌شده شهرشناسی تهران تبدیل کرده است که پس از سی سال به صورت انستیتو تهران‌شناسی به کار ادامه می‌دهد. از صفامنش بیش از چهار مقاله به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است. وی پژوهش‌های بسیاری در موضوعات مختلف معماری، شهرشناسی، طراحی شهری و مرمت شهری انجام داده است. پژوهش‌هایی نظیر تاریخ شهر تهران، باغ‌های ایران، عناصر و زبان‌شناسی معماری ایران، هویت شهر تهران، منظر شهری شهرهای ایران، پدیده ارتباطات و شهر، سابقه حفاظت و مرمت در ایران، روند طراحی با طبیعت و بسیاری دیگر که برخی از آنها در انتظار چاپ به صورت کتاب هستند. این مصاحبه از طریق مروری بر بیش از سه دهه تلاش وی در زمینه طراحی شهری، نگاهی نیز به تاریخچه این دانش در ایران دارد.

شما از چه زمانی به عنوان یک طراح شهری کار خودتان را شروع کردید؟ می‌دانیم که ابتدا در رشته معماری تحصیل کرده‌اید؟

من دوره فوق لیسانس معماری را در سال ۱۳۵۱ در دانشگاه تهران تمام کردم. در آن زمان به موضوعات مربوط به شهر تهران و

بود با تمایلی که داشتم در این دانشگاه و نیز بعد از آن که رقوم در دانشگاه برکلی کارم را روی طراحی شهری متمرکز کردم و طراحی شهری خواندم، چون این رشته در آن زمان در آمریکا تازه بود. سال ۱۹۷۶ دوره‌ام را با تخصص در متولوژی و کاربرد کامپیوتر در طراحی شهری تمام کردم و با این حساب فکر می‌کنم احتمالاً اولین فارغ‌التحصیل طراحی شهری ایرانی باشم.

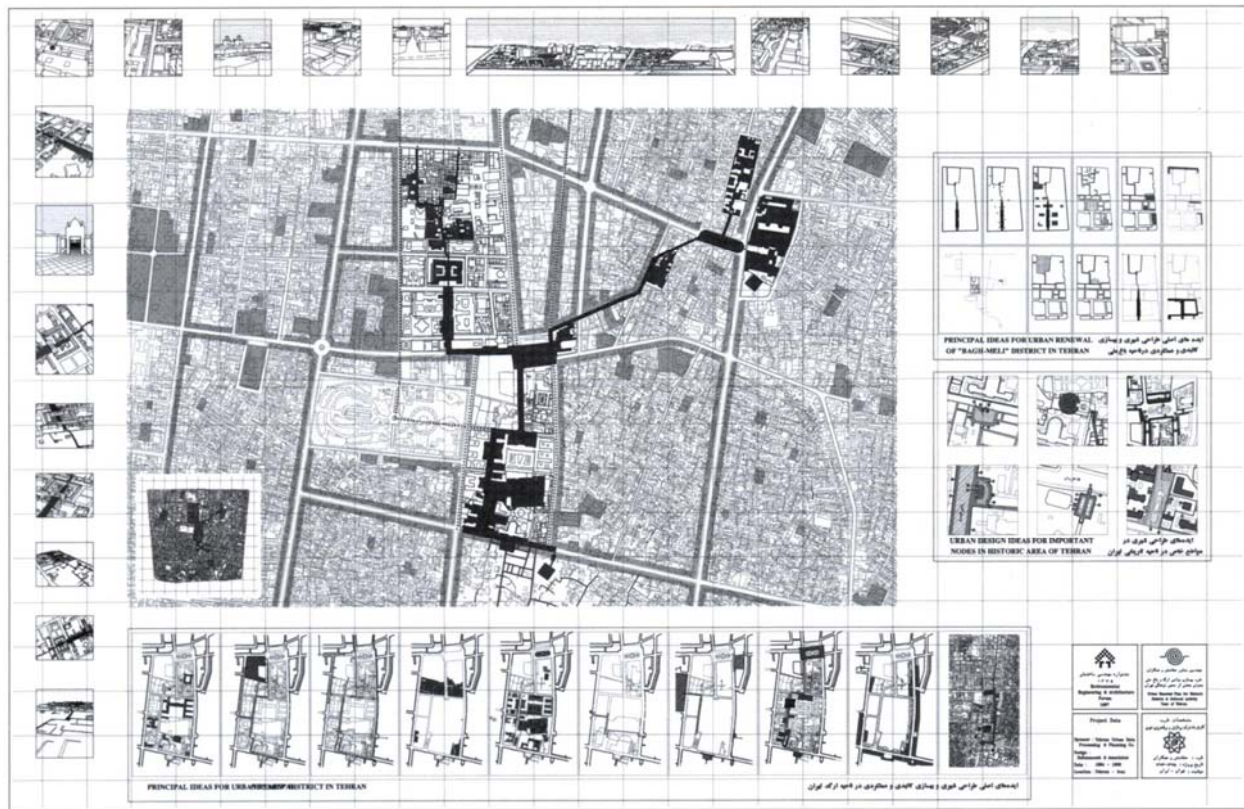
### چند سال بود که در آمریکا این رشته ایجاد شده بود؟

فکر می‌کنم چهار یا پنج سال بود که این رشته به وجود آمده بود البته تا آنجایی که حافظه من یاری می‌کند معمولاً این رشته در دانشگاه‌هایی ایجاد می‌شد که دپارتمان شهرسازی و معماری قوی داشت و این دو با یکدیگر دوره‌ها و کلاس‌های مشترک برپا می‌کردند و در این دوره‌ها دروس برنامه‌ریزی شهری تدریس می‌شد و طرح‌های معماری با مقیاس بزرگ شهری ارائه می‌گردید و نوعی فضای مشترک بین رشته‌های موسوم به طراحی شهری مطرح شد این مسئله ابتدا در چند دانشگاه از جمله هاروارد، کالیفرنیا، UCLA، برکلی و شاید در شیکاگو مطرح شد آمریکایی‌ها به دلیل مسائل خودشان خیلی زود نسبت به سایر نقاط دنیا این رشته را ایجاد کرده بودند و از طرف دیگر دانشگاه‌های این کشور اولین دانشگاه‌هایی هستند که کامپیوتر را وارد این رشته کردند خوب یادم هست موقعی که دوره آموزشی من بین دپارتمان برنامه‌ریزی شهری و دپارتمان معماری مشترک بود از استادان خودم بیل میچل که الان رئیس مدرسه MIT و یکی از پیشروترین کسانی است که در مورد کاربرد کامپیوتر در معماری و شهرسازی کار کرده و همچنین از پیتر کمینتر از پیشگامان کاربرد کامپیوتر در برنامه‌ریزی شهری پرسیدم که کاربرد کامپیوتر در آینده در کدام یک از این رشته‌ها کارآمدتر خواهد بود، برنامه‌ریزی شهری یا معماری. جواب آنها این بود که هیچ‌کدام، کاربرد اصلی کامپیوتر در طراحی شهری خواهد بود. برای اینکه ابزار اصلی آینده برای ساخت

تأثیر سیستم‌های ارتباطی در توسعه و کیفیت زندگی شهری علاقه‌مند بودم. موضوع تز من بررسی تأثیر پدیده ارتباطات در شهر بود؛ در آن زمان این موضوع که چگونه ارتباطات فرم شهر را تغییر می‌دهد و عملکرد شهر را دگرگون می‌کند بسیار جدید بود، اما در حال حاضر حتی بسیاری از آن ایده‌ها در دنیا به مرحله عمل رسیده است، مثلاً در آن طرح‌ها و آن تز پیش‌بینی سیستم‌های کنترل ترافیک، توسعه آموزش و یا تقویت زندگی شهری به کمک ارتباطات جمعی و بسیاری تولیدات آینده مانند موبایل یا پیش‌بینی خرید به کمک سیستم‌های کامپیوتری دیده می‌شد که در آن زمان فکر نمی‌کردم در زمان زندگی خودم این پدیده‌ها را ببینم، یعنی خیلی از این پیش‌بینی‌ها بود که فکر نمی‌کردم خیلی سریع اتفاق بیفتد؛ مانند کامپیوتر شخصی یا تلفن همراه و پرداخت قبض آب و برق به کمک کامپیوتر از داخل خانه، ولی همه ما امروزه می‌دانیم که چگونه کشورهایی که بیشتر از این تکنولوژی استفاده می‌کنند به وسیله آن مقدار رفت‌وآمد شهری را کم می‌کنند؛ دقت کنید که این مقدار کاهش رفت‌وآمد شهری چقدر می‌تواند در فرم و طرح شهر تأثیرگذار باشد در آن زمان معتقد شدم شهرها نظامی از تغییرات و جایجایی اطلاعات هستند و این پدیده اصلی و دریافت رابطه این جایجایی و مدل دسترسی آن موضوع اصلی کار من شد و بعدها آن را در زمان پژوهش و تحصیل در آمریکا ادامه دادم و امروزه معتقدم که مبانی مؤثر در طراحی شهری خارج از خود طراحی شهری وجود دارد.

از طریق این مطالعات به رشته ارتباطات و علوم کامپیوتر علاقه‌مند شدم. در آن زمان از اولین دانشجویانی بودم که به واحد اصلی کامپیوتر دانشگاه تهران راه یافتیم و در اولین سال ایجاد آن مؤسسه در آن ثبت‌نام کردم.

با این سابقه و این کارها به دانشگاه UCLA در آمریکا رقوم که در آن زمان یکی از مجهزترین دانشگاه‌ها در زمینه سیستم‌های کامپیوتری بود و هنوز هم هست و خیلی روی کاربرد کامپیوتر متمرکز



طرح مرکز تاریخی شهر تهران، حوزه‌های باغ ملی، ارگ و بهارستان

و کنترل شهرها طراحی شهری است و مقیاس طراحی شهری کاربرد کامپیوتر را بسیار خوب به کار خواهد گرفت.

همان‌طور که گفتیم در دانشگاه ما برنامه طراحی شهری بین‌دولتی و دیپلمات معماری مشترک بود استکان مشهور ما در حوزه برنامه‌ریزی جان فریمن و پیتر کمینز و در حوزه طراحی شهری ییل میچل، یورگ لنگ سوئیسی و شولتز بودند کسانی هم به عنوان استاد مدعو به ما درس می‌دادند از جمله طراح شهری معروف آلمان ماتیاس اونگرز و همکارانش لئون کریر، راب کریر و رم کولهاس. علاوه بر اینها باید از مامفرد شلیتوم طراح معروف آلمانی، جیانکارلو دیکارلو ایتالیایی و رابین لیگت متخصص کاربرد کامپیوتر و مری میان ابداع‌کننده Cluster یا خوشه در سیستم‌های کامپیوتر از دانشگاه هاروارد نام ببریم. در دانشگاه برکلی به مدت یک سال با کریستوفر الکساندر به طور متمرکز کار کردم که زمینه ارتباط و همکاری را که هنوز وجود دارد، برقرار کرد.

بعد از تحصیل در چند پروژه طراحی شهری در آمریکا کار کردم؛ چند پروژه در لس‌آنجلس یک پروژه در سانتا مونیکا و یک پروژه با مامفرد شلیتوم در شهر کیل آلمان. شاید مهم‌ترین آنها پروژه‌ای بود که در مرکز شهر لس‌آنجلس داشتیم و نیز پروژه‌ای در هاینکون بیچ در کالیفرنیا. یکی دیگر از پروژه‌های مهم پروژه Farmer Market (۱۹۷۶) در لس‌آنجلس بود که در آنجا به دلیل وجود چند طراح شهری و تورسین خوب وارد بحث مشارکت مردم در طراحی و تصمیم‌سازی شدیم.

روش‌ها متفاوت بود؛ یاد می‌آید که در آنجا آدم‌های مختلف می‌آمدند و قطعاتی را که من طراحی کرده بودم جابجا می‌کردند و همچنین آنترناتیوهای مختلف را با هم ترکیب می‌کردند طرح‌ها را به اطلاع عموم می‌رسانند و تبادل و تناخل نیروها در این انتخاب‌های انجام‌شده مورد بررسی قرار می‌گرفت و نتیجه طرح‌ها به اطلاع عموم می‌رسید و باز به نظرخواهی گذاشته می‌شد این روند بسیار برای من جالب بود و من با همین زمینه‌ها در کار و اندیشه مشارکت عمومی در طرح‌های شهری به ایران برگشتم.

### آیا در آن زمان در ایران کسی در مورد این مسئله مشارکت صحبت می‌کرد؟

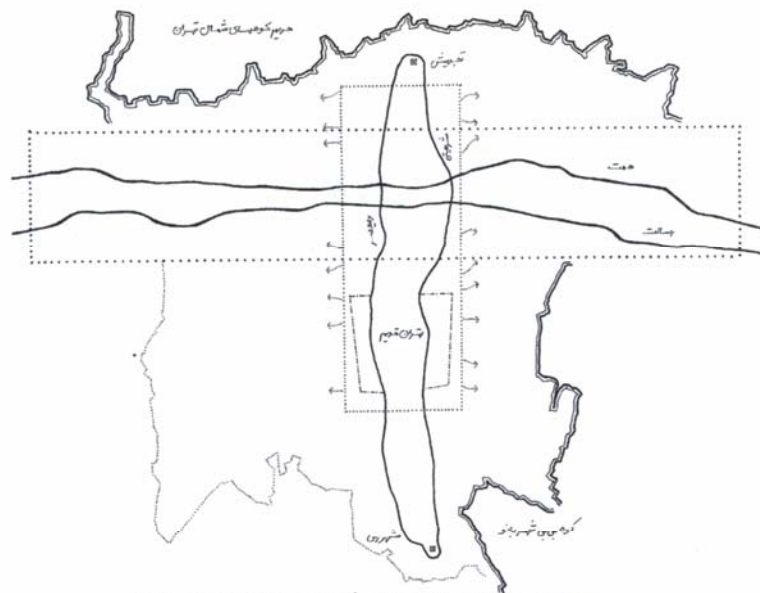
اصلاً اولین بار که در این باره در سال‌های ۶۱ و ۶۲ صحبت کردم برخورد خوبی با موضوع نشد که حکایت از ناآگاهی افراد نسبت به موضوع که آن موقع جدید بود داشت، بعداً سعی کردم به طرق مختلف این بحث را مطرح کنم و در کمیسیون‌های مختلف وزارت مسکن، با نوشته‌ها و با کمک سایر همکاران کم‌کم این بحث را بیشتر به جلو بردیم و خوشبختانه زمینه خوبی فراهم شد.

بعدها بر مبنای همان مباحث من پروژه بازسازی سلولی را در اراضی آستانه شهر شیراز انجام دادم که در این مورد مقاله‌ام با نام «پیشنهادی برای روش طراحی و نوسازی در بافت‌های قدیمی» در همایش مسکن و اشتغال و رونق پایدار در مشهد چاپ شده است. در آنجا پیشنهاد کردم که چگونه با جایگزینی تدریجی سلول‌ها و با همکاری مردم طراحی و نوسازی اتفاق بیفتد در مقاله دیگری مطرح کردم که سلول‌ها یعنی قطعات شهری می‌توانند ریز یا درشت باشند و یا از چند سلول تشکیل شوند و بر اساس یک استراتژی در سناریوی نوسازی شهری به کار گرفته شوند البته من از آن اول درست نقطه مقابل و ضد حرکتی بودم که نامش را حرکت بولبولی گذاشتمام و توسط معماران که از طراحی شهری بی‌اطلاع بودند به کار گرفته می‌شد روشی که به بافت قدیم خیلی از شهرهای ما آسیب زده است. معتقد بودم که کار ما مثل دندان‌سازهاست، باید یک قطعه‌ای را برداریم بعد جایش را پر کنیم. در شهر باید یک ساختمان را برداریم و ساختمان دیگری را جایگزین آن کنیم. نباید همه دندان‌ها را خراب کنیم و جایش یک جفت دندان مصنوعی بگذاریم. اکثر طرح‌های دیگر همین کار را کردند که در مقیاس‌های بزرگ انجام می‌شد.

### در واقع کار شما همان شیوه‌ایست که به آن طراحی در زمینه می‌گویند؟

یکی از مشخصات آن در زمینه بودن است، یکی دیگر از نکات آن روبرو شدن با تاریخ زمینه است، و در واقع روبرو شدن با Picturesque و Image است؛ یعنی تصویر عینی و تصور ذهنی که مردم از محیط خودشان دارند نکات دیگر آن این است که باعث جابجایی جمعیت نشود و محیط و رفتار مردم با هم دیده شوند بحث دیگر مورفولوژی است؛ هم مورفولوژی فضایی و هم تیپولوژی مورفولوژی. در آن زمان من این مباحث را در طرحی برای بافت قدیم اردبیل به نام ریخت‌شناسی بافت‌های اردبیل به کار گرفتم. در واقع برای اولین بار روی مورفولوژی بافت‌های شهری کار کردیم که در جزوهای که در سال ۱۳۶۲ منتشر کردم، منعکس شده است. در همین زمینه بحث دیگری که مطرح می‌شود طبیعت و اکولوژی است. این مسائل در پروژه‌های بعدی در شیراز و ارومیه خیلی برای من مهم بودند و به آنها پرداختم.

همان‌طور که گفتیم در آن زمان با عمل بولبولی مخالفت می‌کردم و می‌گفتم رشد تدریجی و ترمیم تدریجی بافت و ایجاد یاخته‌های جدید و وارد کردن انرژی تازه به بافت مهم است و هنوز هم فکر می‌کنم که علت اساسی باخت ما در تمام شهرها - که حالا دیگر می‌دانیم که باختیم- این است که این مسئله را قبول نکردیم، در حالیکه اگر به قوانین ساده شهرسازی مراجعه می‌کردیم مانند قوانین شهرداری، این اتفاق می‌افتاد وقتی که مردم می‌رفتند یک جواز می‌گرفتند تا خانه‌شان را خراب کنند و یکی دیگر در جایش بسازند این کار می‌توانست به صورت خودکار انجام بگیرد و تنها هدایت آن مهم بود. زمانی که سردیر ویژه شماره مخصوص طراحی شهری فصلنامه هفت‌شهر بودم در آن شماره یک مقاله از آن روزن مودون برای ترجمه و چاپ دادم و نوشتیم که این ترجمه یک هدیه به جامعه طراحی شهری ایران است که متأسفانه این یادداشت من را جا انداختند اسم مقاله «A Catholic Approach to Organizing what Urban Designers Should Know» ، «آنچه که طراحان شهری باید



ساختار محور مرکزی شهر تهران و گرایش توسعه آن به شرق و غرب  
کامران صفامنش اسفندماه ۱۳۴۳

معمول آماده‌سازی متفاوت بود. بعدها کم‌کم قراردادهای شرح خدمات آماده‌سازی آنقدر تئیکال و محدود شد که دیگر کسی در آن طراحی شهری نمی‌کرد مگر کسانی که علاقه‌مند بودند و طراحی شهری را در آن وارد می‌کردند که چند نفر بیشتر نبودند به هر حال زمانی که پیشنهاد پروژه خیابان ناصرخسرو را دادم اسمش را گذاشتم بنه‌سازی، چون مسئولان شهر تهران حاضر نبودند که در بحثی که در زمینه‌های شهری می‌کنیم بافت اطراف و خود ساختمان را دخیل کنند کار کردن تا حد ترمیم نماها را قبول کرده بودند با وجود این محدودیت‌ها این را پذیرفتم تا بتوانم طرح بازسازی ۹۰ ساختمان را در آن خیابان ارائه کنم و برای این کار ضوابط بدهم که مورد استفاده میراث فرهنگی هم قرار گرفت و تعدادی از آنها اجرا شد.

در پروژه بعدی یعنی در لاله‌زار یک قدم جلوتر رفتم و از طریق فرهنگ‌سازی که انجام دادم ساختمان‌ها، محیط خیابان و بافت اطرافشان را مطرح کردم ولی در پروژه‌های اول این کار امکان‌پذیر نبود. بعد کم‌کم کاربرد واژه‌هایی مثل بازسازی شهری، نوسازی شهری و طراحی شهری را با نوشتن مقاله‌ها و با شرکت در جلسات متعدد با همراهی دوستان دیگر جا انداختیم. البته غیر از من کسان دیگری هم از نسل‌های اول و هم از نسل‌های بعدی بودند که خیلی زحمت کشیدند ما به یک محاوره بین جامعه حرفه‌ای و مسئولین شکل دادیم. در دو سال اول تشکیل جامعه مشاوران که مسئولیت گروه شهرسازی را داشتیم، در این راستا تلاش‌های زیادی انجام دادم. در آن دو سال در یک تعاملی که با مسئولین برقرار کردیم به فرهنگ‌سازی در حوزه حرفه‌ای خودمان پرداختیم که بعدها خیلی خوب توسط دیگران ادامه یافت.

### در پروژه‌هایی که توسط خارجی‌ها انجام می‌شد بحث طراحی شهری مطرح نبود؟

چرا، اولین پروژه طراحی در مقیاس بزرگ شهری همان پروژه شهستان یهلوی در اراضی عباس‌آباد بود اما اجرا نشد اگر طرح‌هایی که قبل از انقلاب انجام شده مثل نازی‌آباد، چهارصد دستگاه و کوی صاحبقرانیه و چند طرح دیگر که خارجی‌ها در آن همکاری داشتند را نیز ذکر کنیم تاریخچه این بحث و همکاری دفاتر خارجی یا طراحان خارجی خودش قابل توجه است.

### چرا با وجود همه تلاش‌ها هنوز جایگاه طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران روشن نیست؟

می‌توانم به چند مورد یا مشکل اشاره کنم، از جمله نگاه موضعی و بخشی در سازماندهی، تعدد سازمان‌های متولی و عدم هماهنگی، ارائه تعریف‌های نامناسب چه در حجم و اقدامات در رابطه با توان گروه‌های اجرایی و مدیریتی، برتری اهداف کمی بر کیفی، عدم توجه به اصل حضور مردم و مشارکت، ارائه راه‌حل‌های یکسان برای مسائل مختلف، دستورالعمل‌های یکسان برای موارد مختلف از طریق قوانین و ضوابط، نبودن قوانین جامع و لازم در زمینه شهرسازی، ضعف دستگاه‌های هدایت‌کننده و برنامه‌ریز، فقدان میانی روشن که باید هر جامعه آکادمیک داشته باشد عدم آشنایی جامعه مهندسی با ریشه‌های مسائل و سوق این جامعه به سمت سوداگری، جمع همه این مشکلات یک بدنه ناکارآمد ایجاد می‌کند اما جالب اینجاست که تعداد زیادی آدم کارآمد در این مجموعه هست و مقدار زیادی میحث شناخته‌شده و مطرح‌شده وجود دارد اما هر کس که کاری را شروع می‌کند از اول همه آنچه را که هست از روی بی‌حوصلگی و اغلب بی‌اطلاعی کنار

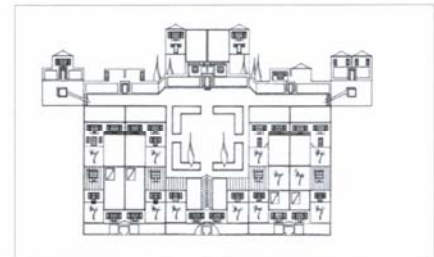
بعدها به صورت تئیکال استفاده شد و بسیاری دیگر به آن اضافه کردند و آن را بهتر کردند اولین بار فرایند چگونگی تهیه اسناد و روش هدایت طراحی شهری را در دفتر خودم تهیه کردم، در کلاس‌های تدریس ارائه دادم، به طور عملی آنرا به کار گرفتم و همراه با اسناد طرح‌ها، آنها را ارائه کردم. بعضی از آنها را بسیار مهم می‌دانم مثل منشور تحققی‌پذیری اجرای طرح در طرح بهسازی ۴۷ هکتار اراضی شرق بازار ارومیه و ضوابط و مقررات طرح توسعه ۷۵ هکتار اراضی اطراف بهارستان در تهران.

### اولین کارهای شما در زمینه طراحی شهری در ایران چه بودند؟

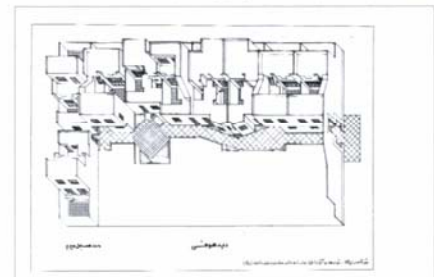
اولین طراحی شهری من در ایران برای ایجاد یک شهرک سی هزار نفری در شمال ایران بود که در سال ۱۳۵۴، زمانی که در خارج از ایران تحصیل می‌کردم در سفری که به ایران داشتم آنرا انجام دادم. در سال ۱۳۶۴ طرح آماده‌سازی و طراحی مجموعه مسکونی اولان را ارائه دادم. یک طرح مسکونی با ۶۰۰ واحد بود که طراحی شهری آن را نیز انجام دادم. بعد از آن آماده‌سازی ۱۸۰ هکتار از شهر ارم تبریز در سال ۱۳۶۷ بود که در اراضی کشتارگاه سابق تبریز انجام دادیم. در سال ۱۳۶۸ آماده‌سازی ۱۲۰ هکتار اراضی زرناس اردبیل انجام شد در سال ۱۳۶۷ طرح بازسازی مرکز شهر تهران را به وزارت مسکن و شهرسازی داده بودم که بعدها در زمان تحولات شهرداری تهران، به صورت طرح‌های خاص در ناصرخسرو، لاله‌زار، باغ ملی، ارگ و بهارستان به صورت پروژه‌های جداگانه انجام شد البته اینها هم طرح مرمت شهری و هم طراحی شهری بودند همچنین از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ ساماندهی منظر شهری را برای شهرداری تهران انجام دادم.

### همه این پروژه‌هایی که ذکر کردید عنوان طراحی شهری داشتند؟

البته در ابتدا اصلاً کلمه طراحی شهری و موضوع طراحی شهری در ایران روشن نبود یعنی وقتی که من راجع به طراحی شهری در آن پروژه صحبت می‌کردم به آن می‌گفتند آماده‌سازی. تا زمانی که در قالب آماده‌سازی، کار را معرفی می‌کردیم معنی داشت اما در واقع ما طراحی شهری می‌کردیم نه آماده‌سازی. ما روشی را که در شناخت، تجزیه و تحلیل و در فرایند طراحی شهری به کار می‌بردیم با کارهای



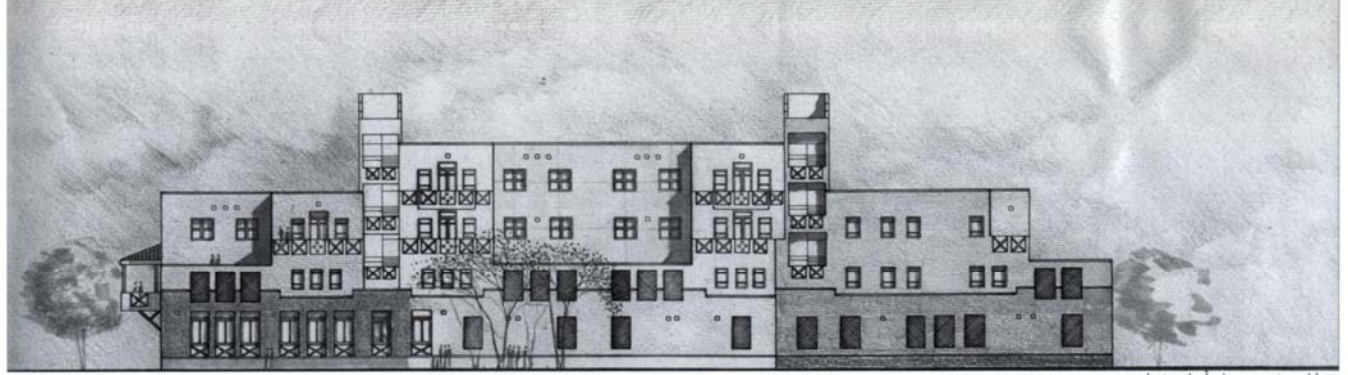
تصویر دوبعدی از واحد همسایگی اولان، سال ۱۳۶۴



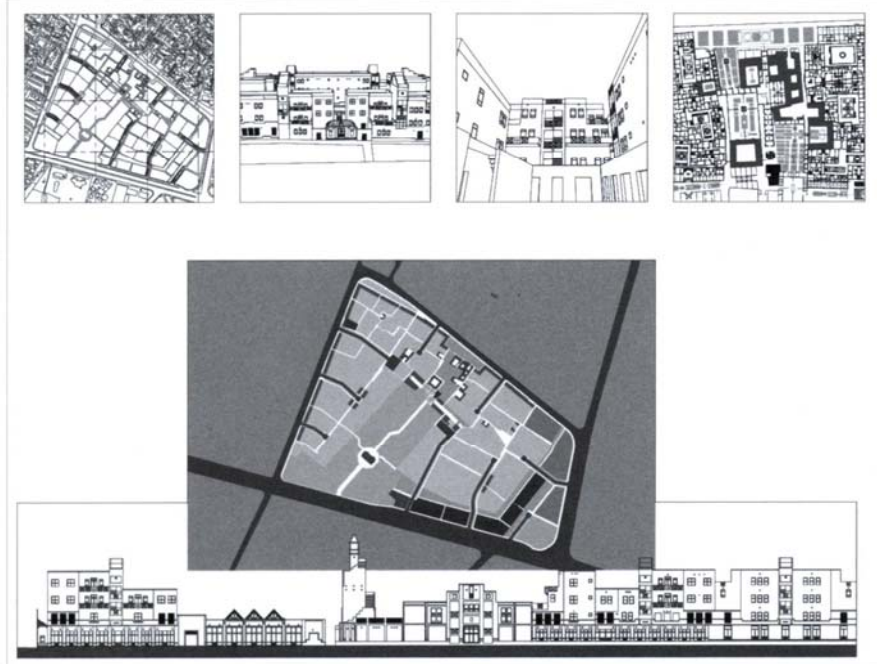
طرح اولان، سال ۱۳۶۴

بیلانند بوده، رویکرد کاتولیک یعنی آنچه قطعی است که ارتباط طراحی شهری را با دو حوزه هنجارگذار و اصول نظری خود بنیاد مورد بحث قرار می‌دهد این مقاله به موضوعی می‌پرداخت که با آن آشنایی داشتم و می‌دانستم که رویکرد درستی است. متأسفانه کسانی که طرح‌های هدایت شهری را انجام می‌دادند معمار بودند بسیاری اصلاً نمی‌دانستند شهرسازی چیست. اما به وسیله رابطه و مسائلی دیگر طرح‌ها را می‌گرفتند و با اندیشه معمارانه با شهرها روبرو شدند در نتیجه طرح‌هایی که اجرا شد بسیار مشکل‌زا بودند و از طرف دیگر چیزی که از اجرا هم بتر بود از دست رفتن فرصت‌های واقعی و از دست رفتن رویکرد علمی بود. علمای آلمند کارفرماهای دولتی را به خودشان جذب کردند و اجازه ندادند با حقیقت و با عمل واقعی آشنا شوند.

چند مسئولان و هدایت آنها فرصتی بود که از دست رفت. به عنوان نمونه ما در جا انداختن بحث مشارکت از این فرصت‌ها استفاده کردیم و این حدود ۱۵ سال طول کشید ما نوشته‌ها و بیاتیه‌های زیادی را به مسئولین ارائه دادیم. من اولین شرح خدمات مربوط به بنه‌سازی، خیابان‌سازی، طراحی شهری و مرمت شهری را نوشتم که



طراحی شهری محله آستانه، شیراز



طراحی شهری محله آستانه، شیراز

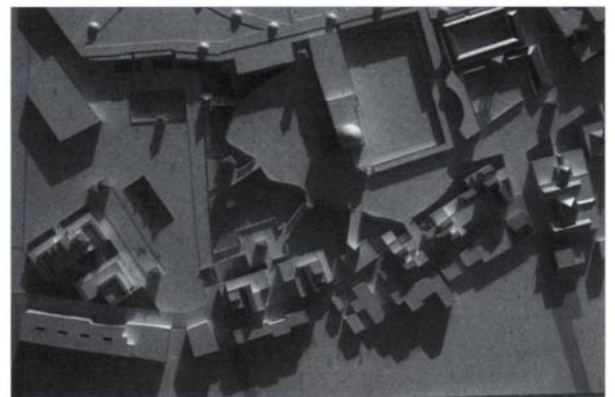
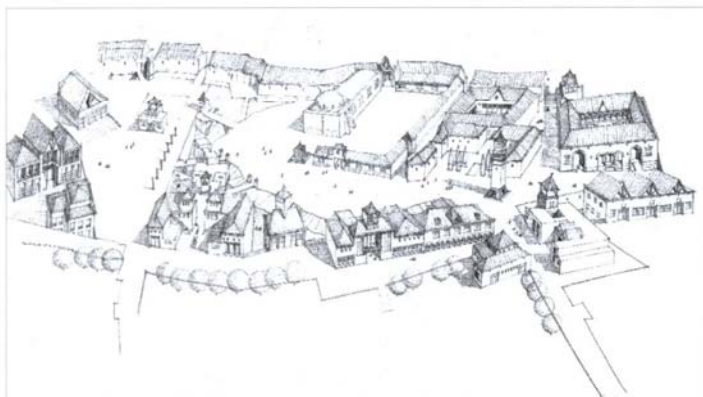
می‌گذارد و اغلب کارها را ناقص‌تر از کارهای قبلی انجام می‌دهد یعنی اخلاق حرفه‌ای هم وجود ندارد. این یعنی یک مجموعه پیچیده و بحرانی به نام جامعه حرفه‌ای کشور. بنابراین علت اینکه ما در این وضعیت هستیم خیلی روشن است. جامعه حرفه‌ای ما به جای اینکه به درهای بسته بکوبد و راه درست را نشان بدهد و پیگیری کند و این کار را وظیفه خود بداند قبول کرده که دستگاهی وجود دارد به نام دستگاه دولتی و سعی می‌کند او را راضی نگه دارد. جامعه حرفه‌ای ما دنبال ضریب K و قیمت و ضوابط تشخیص صلاحیت است. من به این نتیجه رسیدم که اگر مسیر درست را برای دولتمردان درست تعریف و مشخص کنیم، آنها قبول می‌کنند البته این کار بسیار دشواری است. در طول فعالیت حرفه‌ای‌ام با هر کس مذاکره کردم بالاخره دم گرم من بر آهن سردش اثر گذاشت. شاید بیش از چند صد جلسه با مسئولین داشته‌ام و سعی کرده‌ام کمک کنم و در کیفیت محیط ساخته‌شده مفید باشم اما یک حرکت جمعی و علمی چیز دیگری است، در حالیکه بعضی از دوستان با مطرح کردن عبارتهایی نظیر جامعه در مرحله گذار، جامعه در حال توسعه و جهان سوم و از این قبیل، خیال خودشان را راحت می‌کنند.

**اگر بخواهیم به عقب برگردیم و به طراحی شهری به عنوان محصول نگاه کنیم و نه به عنوان یک دانش و حرفه جدید، شما چه تاریخچه‌ای را برای طراحی شهری در ایران تصویر می‌کنید؟**

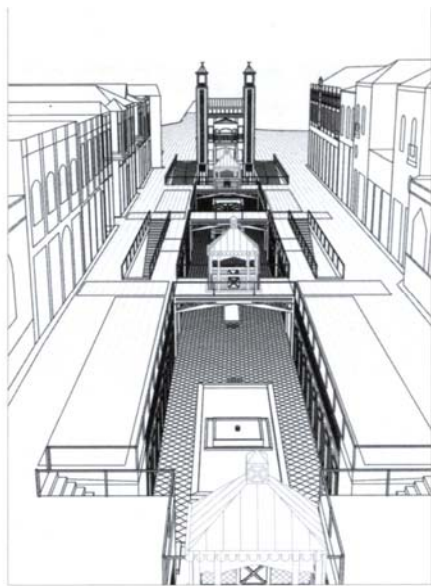
آنچه که ما در قاموس طرح شهری در ایران داریم همیشه در عمل، حاصل یک روش در حال تحول و اما نوشته‌نشده است که در مقیاس‌های متفاوت کنش و واکنش با هم تولید محصول می‌کنند طرح به عنوان یک شکل پیش کنشیده‌شده نیست اما روش و دیدگاه آن مشخص است. مثلاً طرح اصفهان و میدان نقش جهان به عنوان یک طراحی با مقیاس بالا در دوره صفوی مطرح می‌شود و فرایند ایجادش با فرایند ایجاد میدان کهنه و بازار فرق دارد. همین تفاوت این سوال را برای من مطرح می‌کند که ریشه این مسئله کجاست. ولی فعلاً از آن که بگذریم ما آنجا که خارج از روابط کنش و واکنش به امر طراحی می‌پردازیم، در طرح به وجودآمده دارای پیش‌طرح ذهنی می‌شویم و می‌خواهیم آنچه را که در نظر ماست به عمل درآوریم و برای این منظور دارای پیش‌طرح می‌شویم. اولین بار در گسترش تهران در سال ۱۸۵۵ میلادی این امر اتفاق می‌افتد.

ایران است که انشاه... چاپ خواهد شد. یکی از عوامل مشخصه این دوره داشتن پلان ترسیم‌شده و داشتن پرسپکتیو است و نیز قوانینی برای تنظیم این دو. در مورد تهران اگر این دوره‌بندی را در نظر بگیریم اولی در دوره ناصری است، بعدی در زمان تهیه نقشه رضاشاه برای شهر تهران و تهیه قوانینی است که در زمان سرتیب بوذرجمهری برای تنظیم پرسپکتیو خیابان‌هایی مثل چراغ برق، امیریه، ناصرخسرو و بوذرجمهری و امیرکبیر تهیه شد این قوانین هم شهر را قبل از به وجود آمدنش تنظیم می‌کند در این دوره دوم که اساس آن نوع تنظیمات شهر اروپایی است بعد از نقشه زمان ناصری، تهران دوباره دارای نقشه‌ای می‌شود که آینده شهر را مشخص می‌کند و این یک تصویر ایده‌آل از شهر است که شاید سی بلوار و تعداد زیادی میدان در آن دیده شده بود. از میان آنها تنها یک بلوار ساخته می‌شود که همان بلوار کرج بود که بعد به بلوار ملکه الیزابت و بلوار کشاورز تغییر نام داد و از

من دوره اول را که طولانی‌زمان و چندهزاره است شهر ارگانیک می‌نامم، شهر ارگانیک در روند خود از زمان خارج نمی‌شود و به طور طبیعی ریشه می‌کند و تغییر می‌یابد در دوره دوم دارای نظر و دیدگاهی خارج از زمان خودمان می‌شویم که اولین بار ما بر اساس اندیشه شهر اروپایی در شهر تهران و بعد در شهرهای دیگر به تجربه آن می‌پردازیم. مبنای آن به شهرهای بعد از دوره رنسانس و بخصوص شهرهای دوره نئوکلاسیک اروپایی یعنی از ۱۸۰۰ به بعد مثل کارهای هاوسمان بر می‌گردد. این شهر را من شهر ایده‌آل می‌نامم. برای آنکه یک نظریه و دیدگاه ایده‌آل دارد. در شهر ارگانیک، نگاه، قانون و تولید همه همزمان است. ولی شهری که دارای دیدگاهی خارج از زمان حال است و پرسپکتیو آینده را منعکس می‌کند و برای رسیدن به آن، مسیر حرکتی را مشخص می‌کند همان شهر ایده‌آل است، مثل کار هاوسمان در پاریس، یا کاری که در شیکاگو اتفاق افتاد (البته این تقسیم‌بندی مربوط به کتاب سیر تحول طراحی شهری در



طراحی شهری در اراضی اطراف بازار ارومیه، سال ۱۳۳۷



طراحی شهری خیابان تربیت تبریز

میدان این هم طرح چند میدان مثل میدان ژاله، پاستور و بیست و چهار اسفند و غیره ساخته می‌شود.

در دوره سوم یعنی پهلوی دوم ما وارد دوره جدید می‌شویم. به عبارتی دوره دوم دوره هندیسی و دوره سوم دوره ریاضی است. شهر به صورت روابط ریاضی تنظیم می‌شود؛ این بحث ۶۰ درصد و ۴۰ درصد از تنظیمات عددی و مختصاتی شهر شروع می‌شود و همچنین ضوابط اداره ثبت احوال که دارای مبانی ریاضی است. در این دوره ما برای اولین بار صاحب پروژه‌هایی می‌شویم مثل پروژه چهارصد دستگاه که توسط بانک و با مقیاس بالا ساخته می‌شود و به مقیاس توجه می‌شود، از این دسته کارها می‌توانم به طرح نازی‌آباد و طرح شهر آرا اشاره کنم، در حالیکه مبانی شهر ایده‌آل بر هندسه استوار و سه‌بعدی است. شهر دوره سوم دوبعدی است. این دوره تا دوره ظهور طراحی شهری ادامه دارد. از دهه ۳۰ تا ۶۰ رویکرد شهر ریاضی یا دوبعدی مسلط است. از دهه ۱۳۶۰ به بعد ما برخورد دوبعدی صرف را کنار می‌گذاریم. البته قبل از آن در مواردی مانند چند طرح دانشگاه و طرح شهستان برای اراضی عباس‌آباد و همچنین سند طراحی شهری هاروارد این برخورد دوبعدی صرف کنار گذاشته شده بود اما به عمل درنیامده بود. بعد از انقلاب اولین بحث طراحی شهری به چند مسابقه در سال ۱۳۶۴ بر می‌گردد. برای من این نگاه سه‌بعدی به شهر غیر از طرح‌هایی در مقیاس طراحی شهری که خارج از ایران کار کرده بودم بعد از انقلاب و در سال ۱۳۶۴ در طرح شهرک ولوان شروع می‌شود. در اینجا ضوابطی داده شد که ساخت‌وسازها ملزم به رعایت آن بودند و این ضوابط سه‌بعدی است و از بحث‌های کمی و غیره خارج می‌شود. همچنین طرح‌های بعدی مثل ناصرخسرو و لاله‌زار و طرح بازسازی مرکز شهر تهران و باغ ملی و بهارستان.

### شما در طول سال‌ها، پروژه‌های زیادی در مرکز قدیمی تهران انجام داده‌اید در این پروژه‌ها چه رویکردی داشته‌اید؟

پروژه‌ای که خیلی تاثیر گذاشت پیشنهاد من درباره مرکز شهر تهران بود که در سال ۱۳۶۷ انجام شد. رویکرد من این بود که ما راجع به یک شهر تصمیم نمی‌گیریم، شهر خودش تصمیم می‌گیرد، بنابراین اگر ما بتوانیم شهر را درست بفهمیم راه‌حلی که برای شهر وجود دارد بیشتر از یک راه‌حل نیست که آن را خود شهر دیکته می‌کند. من فکر می‌کنم که امر شهرسازی امر سلیقه‌ای نیست و یک راه‌حل برای هر شهری وجود دارد که از برآیند نیروها و تاریخ گذشته‌اش و فعالیت‌ها و نظریه آیندناش زاینده می‌شود. من کاری را که روی مرکز شهر تهران انجام دادم با این رویکرد بوده و از این نظر آن کار را هم کارساز و هم آنرا مادر پروژه‌های دیگر خردم می‌دانم. از طریق

طراحی شهری در تبریز

آن پروژه بود که توانستم در سازمان شهرداری تهران موضوع میادین و همچنین موضوع پرداختن به خیابان‌ها را مطرح کنم که بعدها مشاوران دیگری هم وارد این بحث شدند ولی ما از طریق آن پروژه توانستیم روی ۵۵ هکتار اراضی باغ ملی در شمال میدان توپخانه تا پایین خیابان جمهوری که از طرفین به خیابان فردوسی و سی تیر محدود بود، کار کنیم و توانستیم بر اساس همان طرح، ۳۵ هکتار اراضی اطراف ارگ تهران از شمال بازار تا پایین میدان توپخانه و همچنین ۷۵ هکتار پروژه بهارستان و اطراف آن را طراحی کنیم. در واقع طرح مرکز شهر تهران یک الگوی بالادست و تعیین‌کننده برای این پروژه‌ها بود. باید ذکر کنم اگر طرح مربوط به مرکز تهران را برای وزارت مسکن به عنوان بخشی از طرح سامان‌دهی تهران انجام نداده بودم انجام این پروژه‌های بعدی، بدون نگاه به آن امکان‌پذیر نمی‌شد. در واقع آن طرح اولی برای من هماهنگ‌کننده و راهبر طرح‌های منطقه‌ای بعدی بود.

پروژه ۵۵ هکتاری باغ ملی تهران از این نظر اهمیت دارد که اولین و شاید آخرین پروژه‌ای باشد که تا امروز وارد فاز دو طراحی شهری شده و اولین بار نمونه‌ای از فاز دو طراحی شهری در ایران ارائه داده است. در آن طرح فاز ۲ تمام جزئیات پیش‌بینی شده بود. در تمام سطوح تا حد کار طرح سیویل و فضای سبز، طرح‌های زیردست، جزئیات ترمیمی شهری، مدیریت اداره طرح و نحوه و چگونگی آن در آینده. همچنین در آن پروژه برای تمام ساختمان‌ها، تمام قطعات شهری، از جوی، آسفالت، کف خیابان، درخت، تابلو، چراغ برق تعیین تکلیف شده و نحوه ترمیم همه ساختمان‌های موجود و الگوی آنها برای آینده مشخص شده و برای همه قطعات شهری که احتمالاً باید نوسازی شوند ضابطه تعیین شده است. در ضمن تغییر کاربری و عملکرد فرهنگی تمام ساختمان‌های مهم تعیین گردید نحوه مرمت بلوار ملل متحد را طراحی کردیم و با مشخص کردن جزئیات، چگونگی برگشتن بلوار به شخصیت قبلی خودش را تعیین کردیم که متأسفانه به نحو بسیار بدی بر اساس تقلید از الگوهای که اصلاً ربطی به آنجا نداشت ساخته شده است. خود من روی بازایی سنگفرش قدیمی تمام آن ناحیه در حد اجرایی کار کردم اما کار بسیار بی‌ارزشی به جای آن ساخته شد.

### طرح مرکز شهر تهران که اشاره کردید چه ساختاری را برای مرکز تهران تصویر می‌کند و در طول بیست سال پس از آن طرح چه تحولاتی در این مرکز ایجاد شده است؟

تحولی در شهر تهران در طول زمان اتفاق افتاده است که همان جایجایی رونق است که در مقاله‌ای با عنوان جایجایی مفهومی مرکز شهر تهران را آن تشریح کرده‌ام و در شماره ۳۶ مجله معماری و شهرسازی چاپ شده است. این جایجایی یک سیر رو به رشد به سمت شمال شهر دارد و زمینه شناخت ساختار شهر تهران است. موقعی که من ساختار شهر تهران را در اسفند ۱۳۸۳ به عنوان یک پکیج از طرح راهبری هدایت و کنترل تحولات کالبدی تهران ارائه دادم این ساختار را تشریح کرده‌ام که این جایجایی رونق، واقعیت شهر تهران و آن چیزی است که ساختار شهر تهران را تعیین می‌کند مرکز شهر تهران خیلی تغییر کرده است؛ از میان ۲۰۰۰ ساختمان



تاریخی که از سال ۱۳۶۰ به بعد شناسایی کرده بودیم حالا حتی ۴۰۰ تا از آن باقی نمانده است. اما شبکه معابر و ارزش‌های محله‌ای و حوزه‌های اصلی شهر مانند بهارستان، ارگ، باغ ملی و حوزه تجریش و شهر ری و تعدادی نقاط و لکه‌های شهری دیگر هنوز وجود دارند. اتصال خیابان امام خمینی تا بهارستان که میدان توپخانه، حسن‌آباد و میدان حر را به هم متصل می‌کند به صورت شرقی و غربی و شبکه پیاده‌ای که از درون بازار از میدان تره‌بار قدیم تهران پیشنهاد کردیم که از درون بازار می‌گذرد و از محوطه ارگ و باغ ملی عبور می‌کند و به لاله‌زار و سعدی وصل می‌شود یک حرکت جنوبی-شمالی را می‌سازد که هر دو در طول زمان یک انتقال مرحله به مرحله رو به شمال داشته و محور ساختاری تهران را تعیین می‌کند این یک الگوی ثابت است و شهر آن را دیکته می‌کند.

موقعی که طرح جامع تهران توسط مشاور جدیدی در حال انجام بود خود کارفرما خواست که در مورد طراحی شهری از من کمک گرفته شود. من سندی را تهیه کردم با عنوان «مبانی طرح راهبردی هدایت و کنترل تحولات کالبدی تهران: طراحی شهری». در این سند گفته بودم که چگونه کار طراحی انجام شود و در این کار تعدادی تعریف به دست دادم. در همانجا هم سازمان کالبدی فضای شهر تهران را تعریف کردم. در آنجا گفتم که ساختار فضایی شهر گستره‌ای فراتر از سازمان و ساختار را دربر می‌گیرد و نه تنها به انتظام میان فضای پر و خالی می‌پردازد، بلکه چگونگی ارتباط میان آن دو را نیز مشخص می‌کند در تعیین ارتباط میان توده و فضا ارتباطات به صورت عام مورد توجه قرار می‌گیرد که طیفی از ارتباطات شکلی تا ارتباطات فعالیتی و ادراکی را شامل می‌شوند این ارتباطات معنا پیدا نمی‌کند مگر اینکه اساسی‌ترین نیروی شکل‌دهنده آنها یعنی انسان و ویژگی‌های زندگی فردی، جمعی و رفتاری او در نظر گرفته شود، از اینرو چهار عامل توده، فضا، زندگی و سیستم ارتباطی تعیین‌کننده ساختار فضایی شهر است.

در مورد سازمان کالبدی و فضایی شهر پیشنهادی بر اساس توده و فضا، ارتباطات و زندگی مردم ضرب در بستر محیطی و تاریخ شهر ارائه دادم. جالب است بدانید که کل آن گزارش و پیشنهادها را که بیشتر مبانی نظری داشت و فقط روش انجام کار طراحی را نشان می‌داد، بدون بردن اسمی از من به کارفرما به جای اصل طرح ارائه دادند و به همین دلیل طرح هدایت و کنترل یا طرح جامع فعلی تهران ناقص است.

### از میان پروژه‌هایی که در شهرستان‌ها انجام دادید کدامیک از نظر شما برجسته‌تر است؟

یک پروژه در شهر تبریز انجام دادم که در محله پاساژ در تبریز انجام شد این محله در گذشته بسیار زیبا و پررونق و تا حدی هم اروپایی‌نشین و محل کنسول‌گری‌ها بود و اولین مرکز خرید جدید در آنجا ایجاد شده بود. بعدها افت کرده و حتی بنام شده بود. من طرحی برای بازسازی، احیای فرهنگی و کالبدی آن دادم. اگر این پروژه انجام می‌شد ارتقای یک محله دارای وجهه تخریب‌شده، افت‌کرده از نظر عملکرد و آسیب‌دیده از همه نظر می‌توانست به عنوان یک الگو مطرح باشد و در محافل علمی بین‌المللی برای ما اعتباری ایجاد کند محل فراگیری این محله در شهر تبریز و اتصال آن با جایی که دیوار قدیم



طراحی شهری در کیش، سال ۱۳۸۳

شهری به تجربه گذاشتم. یادم هست که دفتر ما در سال‌های ۱۳۶۰ هم در مورد کاربرد کامپیوتر به طور پیشرفته پیش قدم بود، تولیدات آن موقع ما گواه این امر است.

### تجربه‌تان در ارتباط با نحوه اجرای پروژه‌ها در ایران با تاکید بر پروژه‌های خودتان چیست؟

همیشه برای دسترسی به هماهنگی فضای شهری ابزارها و عواملی نیاز است. پروژه‌های من به علت عدم دسترسی به عواملی که باید کار را به نتیجه برسانند مثل پروژه‌های بسیاری دیگر روی کاغذ ماند و به مشکل خورد. اما جاده صاف‌کن طرح‌های دیگر و نسل‌های بعدی شد. کار کردن مشکل بود.

اولین مورد خرد و دانش شهری است که در زمان فعالیت ما غیبت داشت. دوم شناسایی و تعیین اهداف که نامعلوم بود. سوم، تشخیص نیازها که بنا به سلیقه‌ها تغییر می‌کرد. چهارم، کنترل برنامه‌ریزی بلندمدت که به روز بود و بلندمدتی در کار نبود. پنجم، تعریف و اجرای طرح؛ کار تعریف می‌شد و به اجرا که می‌رسید به علت نبودن چهار عامل قبلی به مشکل بر می‌خورد.

با همه اینها من همیشه سعی کردم به روز باشم و ارتباط علمی خودم را حفظ کنم و با وارد کردن روش‌های جدید و به کار گرفتن آنها در ایران شرایط کاری علمی‌تری را معرفی کنم و آن را به نسل جوان‌تر انتقال دهم و راه درست و جدی‌تر را به جای تقلید ظاهری از روی طرح‌های مجلات خارجی ارائه دهم. اما یک چیز عجیبی وجود داشت که من مجبور بودم در تمام کلاس‌ها، سخنرانی‌ها و مقاله‌هایم دگری از آن بکنم و آن «غیبت اخلاق حرفه‌ای» بود. ما در مملکتی زندگی و کار می‌کنیم که اخلاق حرفه‌ای تعریف نشده است و اخلاق عمومی هم مشکل دارد و هنوز زمینه لازم برای تحقق آنچه آرزو داریم فراهم نشده است. ولی آرزو دارم که شکست‌های گذشته من زمینه‌ساز و راه‌رازن برای نسل بعدی بشود و می‌دانم که تا حدی شده است. تنها من نبودم، بسیاری از آدم‌های دیگر ناکامی‌هایشان در طرح‌ها و آرزوهایشان برای این مملکت و مردم، برای نسل‌های بعدی راهشگا شده است، نه اینکه همه چیز حل شده باشد این وظیفه نسل بعدی است که در این بازی دو امدادی این چوب را از دست ما بگیرد و مسیر را ادامه بدهد و من تمام مدت چشمم دنبال کسانی است که قرار است این چوب را از دست ما بگیرند ■

داد که برایم بسیار ارزشمند بود. حاصل آن، طراحی کیش بود که در آن دنبال این بودم که طوری برای محیط طبیعی نقشه بدهم که انگار نقشه ندارد و می‌خواستم ببینم که چگونه می‌توان با نقشه ساختمان ساخت که انگار در یک فرایند طبیعی کنش و واکنش به وجود آمده است؟ چگونه می‌شود که به جای Uniformity که حاصل شهر نوع سوم است به Unity که حاصل شهر نوع اول است دسترسی پیدا کرد؟ چگونه می‌شود که اجزای تولیدشده همه متفاوت و گوناگون باشند اما بشود به آنها مشخصات معین حرفه‌ای و مهندسی داد؟ چطور می‌توان یک طراحی شهری را انجام داد که بر اساس شهر نوع سوم ضوابط، مقررات و نقشه دارد اما چیزی که در آخر تولید می‌شود به محیط مصنوعی که در ایران و همه جای دنیا در حال شکل‌گیری است منجر نشود؟ چگونه می‌توان محیط ساخته‌شده را به جای محیط مصنوعی به محیط طبیعی منطبق با طبیعت بشر و طبیعت محیط تبدیل کرد؟

در این زمینه سیستم ترکیب یاخته‌های طبیعی برای من قابل توجه بود. من این سیستم را در طبیعت می‌بینم و یک کار تحلیلی در این مورد انجام دادم و سرگرمی یک دهه اخیر من بوده است. اینکه آثار چگونه به عنوان یک موجودیت واحد بخش‌های مختلف دارد و چگونه رگه‌های آن جسم سفید در درون آن حرکت می‌کند و اینکه در دانه‌های زیاد آن یک دانه مشابه پیدا نمی‌شود، مورد توجه من بود؛ قطعات در انسجام کامل با هم کار می‌کنند و هیچ نوع همسکلی وجود ندارد. با این دید در طرح کیش شروع به کار کردم که بسیار سخت بود چون نباید هیچ چیز را مشابه طراحی می‌کردم و در طرح ما تقریباً هیچ زاویه قائمه‌ای وجود ندارد. می‌خواستیم که یک ستون فقرات اصلی تمام مجتمع‌های زیستی را به صورت واحدهای همسایگی تشکیل بدهد و آنها بتوانند زیرتقسیمات خودشان را بسازند و این زیرتقسیمات و مجموع تمام عناصر آن برای همه منحصربه‌فرد باشد ولی تولید آن به هیچ علم مهندسی متکی نباشد من معتقدم که علم مهندسی بسیار تنبل است و این تنبلی مایه تمام ایرادهای محیط ساخته‌شده امروزی است. در پروژه کیش ما به نیروی انسانی زیادی نیاز داشتیم و برای این کار مشاوری لازم بود که بپذیرد تمام پولی را که می‌گیرد یا شاید هم بیشتر، در این کار مصرف کند و کارفرمایی باید پیدا می‌شد که کاملاً به مشاور خودش اطمینان داشته باشد. هر دوی اینها فراهم شد اما اتفاقی که همیشه در مملکت ما می‌افتد رخ داد و عوض شدن دو تا مسئول، پروژه را منتفی کرد. من این پروژه را بیرون از ایران در محافل علمی مطرح کردم و الگو و نحوه برخوردش در بیرون از ایران به کار گرفته شده است. این طرح را بدون کامپیوتر و مدل‌ها و نرم‌افزارهای جدید نمی‌توانستم انجام دهم و در واقع آن پیش‌بینی استادم که اشاره کردم اینجا برای من مسلم شد و قدرت به کارگیری اتوماسیون را در طراحی

شهر تبریز از آنجا عبور می‌کرد به من فکری داد که ارزش شهر تبریز را در آنجا بیان کنم.

پیش از این من پروژه‌ای را در دهنه بازار تبریز انجام داده بودم که ساخته شد و همچنین پروژه‌هایی برای خیابان‌های فردوسی و تربیت تبریز انجام داده بودم. در ادامه آن پروژه‌ها من در محله پاساژ پیشنهاد یک ساختی از تبریز از بین‌رفته به عنوان یک شهر مینیاتوری دادم که می‌توانست مینیاتوری از آن واقعیت بزرگ باشد و در نحوه برخورد با شهر تبریز تاثیر بگذارد. در اینجا هم طرحی که در نهایت انجام شد یک طرح عقب‌مانده بود و آینده هم این را روشن کرد.

طرح دیگری را که می‌پسندم طرح احیای اراضی اطراف بازار ارومیه بود که در اثر بمباران زمان جنگ تحمیلی تخریب شده بود. من برای احیای بازار طرحی دادم که در آن فکر ارومیه قدیم را پیاده کردم. آن پروژه حتی به مرحله ساخت رسید ولی در یک حوزه بسیار ناکارآمدی تبدیل شد به محلی برای زبونده‌های سوداگرانه با دلال‌ها و پروژه از دست رفت. کسانی که مدیران این کار بودند از نظر مدیریت و از نظر درک، هیچ شناختی از طراحی شهری نداشتند پروژه را به جای اینکه برای شهر ارومیه حاصل داشته باشد به جای بسیار بدی کشتاند.

پروژه شیراز را به علت رویکرد بازسازی سلولی که در آن داشتم خیلی مهم می‌دانم. البته در نگاه به گذشته احساس می‌کنم که می‌شد بعضی کارها را به طریقی دیگر انجام داد. در مورد شیراز فکر می‌کنم آنجا که اصرار کارفرما در مورد تجمع قطعات به صورت قطعات بزرگ‌تر به طوری که پیمانکارهای قبل‌بندتری بتوانند وارد پروژه شوند را پذیرفتم، اشتباه کردم.

### آیا در سال‌های اخیر پروژه‌های انجام داده‌اید که نشان‌دهنده تحولی در رویکرد و روش شما در طراحی شهری باشد؟

یکی از پروژه‌هایی که جدیدتر است پروژه طراحی شهری ۱۱۰ هکتار از اراضی کیش است. من در این پروژه دنبال تجربه کردن مبانی نظری بودم که سال‌ها با آن مشغول هستم. می‌خواستم به گونه‌ای طراحی کنم که شاخصه‌های سه گونه شهری را که می‌شناسم یعنی شهر سنتی که اسمش را شهر نرم گذاشتم و شهر ایده‌آل یا شهر سخت و شهر انتزاعی که آینده بسیاری شهرها از این حوزه شروع می‌شود در آن به کار می‌رود، این یعنی تعریف من از شهر آینده. یعنی آنچه که طراحی می‌کنم هم ارگانیک باشد هم دارای ساختار باشد و هم دارای فرایند تغییر و تحول به صورت سلولی باشد در یک کار پژوهشی که همراه بود با هفت سال سفر و حضور در شهرهایی که به صورت مجرد و مجزا چنین شاخصه‌هایی داشتند به من نگاهی